

قیام سال ۱۳۲۴ صافی های کُتر (قسمت نهم)

ادامه آماده گی سرکوب مسلحانه مردم کُتر

بعد از آنکه جرگه سردار هاشم خان با سران قومی کُتر به نتیجه نرسید، حکومت آماده گی سرکوب مسلحانه مردم کُتر را بیشتر و سریعتر ساخت. برخی ازین آماده گی ها عبارت بودند از:

الف. تشکیل دو لوی جدید احتیاطی. حکومت تصمیم گرفت برای تقویت قوای مرکز، آنعه از عساکری را که قبلاً مرخص شده بودند، دوباره به خدمت عسکری فراخوانده و آنها را در دو لوی احتیاطی پیاده تنظیم کند. البته توسعه این دو لوی احتیاطی مربوط به چگونگی انکشاف اوضاع دره کُتر بوده و در صورتی که اوضاع به وخامت نگراید، تعدادی از آنها دوباره مرخص خواهند شد. «تشکیل دو لوی احتیاطی گرچه میتواندست به واحد های نظامی سمت مشرقی کمک کند، اما بدون شک حکومت برای مجهز ساختن این دو لوی با کمبود اسلحه، سامات آلات و لباس روبرو بود».

ب. انتقال قوا از واحد های نظامی دیگر. ارسال قوا از جاهای دیگر مثل قندهار، بغلان و مزار شریف هم در نظر گرفته شد، اما از آنجائیکه اکثریت لاری های عسکری در جنوبی و مشرقی مصروف بودند، کمبود وسایل ترانسپورتی این نقل و انتقال قوا از مراکز نظامی دیگر را به تعویق انداخته میتوانست.

ج. تهیه وسایل ترانسپورتی بیشتر. درین زمینه اقدامات آتی صورت گرفت:

- دریافت لاری های امریکائی: حکومت افغانستان که از سفارت ایالات متحده امریکا یک هزار عراده موتر باربری (لاری) را تقاضا نموده بود، خواست تا ۴۰۸ عراده آنرا در همین سال ۱۹۴۵ ارسال کند.
- آموزش میخانیک های افغان توسط انگلیس ها: تصمیم گرفته شد تا ۱۴ نفر میخانیک برای آموزش توسط جنرال موتور بمبئی به هند بریتانوی فرستاده شوند. به تعداد ده نفر در رشته ترمیم عراده جات تیز رفتار و لاری، دو نفر در رشته تحویل داری و حواله پرزه جات، و دو نفر هم در رشته نگهداری و ترمیم تایر ها آموزش خواهند دید.
- ساختن بادی های موتر های لاری: حکومت از انگلیس ها خواسته است تا قبل از ورود موتر های باربری امریکائی به افغانستان هر چه زود تر یک هزار بادی این عراده جات را در هند بریتانوی آماده کند. قبل از آن در نظر بود کمپنی جنرال موتور انگلیسی این بادی ها را به قیمت فی عراده دوهزار روپیه هندی در کابل با استفاده او مواد داخلی تهیه کند.

د. انتقال طیارات عسکری به جلال آباد. یکی از مشکلات بزرگ اکمالات عسکری از راه زمین به کُتر نبودن یک پل مطمئن بر دریای کابل بود. در آن وقت تنها پلی که مورد استفاده ترافیک بین کابل با جلال آباد و کُتر قرار میگرفت یک پل ضعیف در «درونته» بود. حکومت برای جلوگیری از خرابی این پل نه تنها از عبور عراده جات باردار جلوگیری میکرد، بلکه استفاده موتر های غیر دولتی ازین پل را نیز ممنوع قرار داد.

حکومت همچنان برای جبران این مشکل و تقویه واحد های نظامی از طریق هوا تصمیم گرفت تا چهار طیاره نظامی نوع «هند- Hind» را از کابل به جلال آباد انتقال دهد. راپور استخباراتی انگلیس ها حاکیست که حکومت افغانستان به نقش استفاده از قوای هوایی در ناآرامی های قبایلی بیشتر پی برده است. حکومت در سال ۱۹۳۹ میتواندست از ۲۶ فروند طیاره انگلیسی «هند» و از جمله ۱۶ فروند طیاره ایطالوی «رومیو» تنها از ۱۲ فروند آن در چنین مواقعی استفاده کند. اما حال طیارات ایطالوی از کار افتاده، از جمله طیارات انگلیسی تنها ۱۶ فروند آن قابل استفاده بوده، سه فروند آن تحت ترمیم قرار داشته و سه فروند آن هم در ورکشاپ منتظر رسیدن پرزه جات بودند.

راپور سفارت انگلیس در کابل حاکیست که «از قوای هوایی در عملیات علیه صافی های کُنر بصورت وسیعی استفاده خواهد شد. گرچه حکومت در عملیات علیه قبایل دیگر پشتون، از بمباردمان و استفاده از ماشیندار، چنین میلانی را نشان نخواهد داد».

ه. جلوگیری از کمک اقوام دیگر به مردم کُنر. حکومت با ترسی که از حمایت گروپ های مهمند، باجوری و صافی آنسوی خط دیورند از صافی های کُنر و امکان ایجاد مشکلات در سرکوبی آنها داشت، دست به یک سلسله اقداماتی زد.

هاشم خان از یکطرف با استفاده از پول ذریعه پاچاگل خواست توجه اقوام آن منطقه سرحدآزاد را منحرف و دست به تبلیغات آماده گی علیه حمله احتمالی اتحاد شوروی بزند، که البته این کار با هم آهنگی با انگلیس ها صورت گرفته و قوای انگلیسی همزمان اعمار تاسیسات نظامی را در منطقه گنداب سرحد آزاد آغاز نمودند.

از طرف دیگر تلاش های هم صورت گرفت تا محمد یوسف، معروف به گل صاحب، پسر ارشد سید امیر جان یکتان از مخالفین معروف و سرسخت انگلیس ها را که به «ملا صاحب بابره» معروف بود، به کابل دعوت و از او درین زمینه خواهان همکاری شود.

«به حواله پراگراف دوم خلاصه هفته وار شماره ۲۳ سال ۱۹۴۵ حال تائید شده است که گل صاحب بابره دوباره برای مذاکرات بیشتر با مقامات به کابل رفته است. صدراعظم به او گفته است که مدد معاش او تحت شرایط ذیل داده خواهد شد:

- i. مددمعاش او از طریق پاچاگل داده خواهد شد.
- ii. یکی از پسران او باید برای کسب تحصیل تحت نظارت حکومت به کابل فرستاده شود.
- iii. او باید از نفوذ خود استفاده نموده تفنگ های حکومت را که در دوران اغتشاش سال ۱۹۲۹ توسط مهمند های منطقه او ضبط شده بود، بازگرداند.

گل صاحب وعده داد است تا در باره این شرایط فکر کند. او به تاریخ ۱۲ جون به خانه برگشته و به پیروانش گفته است که تصمیم ندارد شرایط حکومت را بپذیرد. گفته میشود عمده ترین نکته مورد اعتراض او شرط گرفتن مددمعاش از طریق پاچا گل رقیب او میباشد، کسی که مشتاق تضعیف نفوذ اوست»^۳.

19. Reference Weekly Summary No. 23 of 1945, paragraph 11. It is now confirmed that the Gul Sahib of Babra went back to Kabul for a further interview with the authorities. He was received by the Premier who told him that he would be given an allowance on the following conditions :—

- (i) his allowance would be paid through Badshah Gul I.
- (ii) one of his sons should be sent to Kabul to complete his education under Government surveillance.
- (iii) he should use his influence to secure the return of Government rifles seized by Mohmands of his area during the disturbances of 1929.

The Gul Sahib promised to consider these conditions and arrived home on 12th. June, where he immediately informed his followers that he had no intention of accepting the Government's terms. It is reported that the point to which he chiefly objects is the stipulation that he should receive his allowance through his rival Badshah Gul, whose influence he is anxious to undermine.

و . ارسال جواسیس و تحایف و مبالغ هنگفت پول به کُتر . «بعد از جرگه و فیصله صافی های کُتر که در مقابل تلاش حکومت برای گرفتاری ملک های شان، سلطان محمد خان دره پیچ و میرسلام خان دره بادیل، مقاومت خواهند کرد، تعداد زیادی از مامورین استخبارات حکومت به منطقه کُتر فرستاده شد.

به تاریخ ۲۴ ماه می «میا های» کُتر [سیدان در کُتر بنام میا و پاچانیز یاد میشدند] برای تبلیغات به نفع حکومت تحایف پولی مقامات را گرفتند»^۳.

20. The Safis of the Kunar Valley held a *jirga* in Pech Dara on 30th. April at which they agreed to resist any attempts by the Government to arrest their maliks, Sultan Muhammad (W.W. 628) and Abdul Salam of Pech Dara. A number of intelligence agents from Kabul have since appeared in Kunar area and are watching the reactions of the tribes there to the recent arrest of the Khugiani leaders.

مسلحانه مردم کُتر را

21. On 24th. May the Miangans of Kunar area received gifts of money from the authorities for spreading pro-Government propaganda in Kunar.

چرا خاندان حاکم تصمیم سرکوب گرفت ؟

از مطالعه اسناد استخباراتی انگلیس بنظر میرسد که تصمیم سرکوب مسلحانه مردم کُتر بعد از بازگشت سردار هاشم خان از سمت مشرقی در ماه حمل سال ۱۳۲۴ گرفته شده است . در گرفتن این تصمیم دو علت عمده نقش داشت :

اول - با آوردن فشار بر قوم صافی که در بین چهار قوم سمت مشرقی از نظر نفوس نسبتاً کوچکتر و ضعیفتر، از نظر موقعیت جغرافیوی از تگاب تا لغمان و کُتر پراکنده تر و از نظر امکانات مالی نا توانتر بود، حکومت توقع داشت سیستم جدید مکلفیت عسکری را به آسانی بر آنها بقبولانند. این پیروزی بر کُتری ها میتوانست ناکامی تلاش های هاشم خان را

جبیره و حیثیت حکومت خاندانی را اعاده کند. در مکتوب محرمانه مؤرخ هفتم جولای ۱۹۴۵ سفارت انگلیس در کابل درین رابطه میخوانیم که «درحالیکه [خاندان حاکم] افغان از هیچ نوع تلاشی دریغ نخواهد کرد تا با صافی ها از طریق اعمال فشار یا مذاکره کنار بیاید، آنها [خاندان حاکم] احتمالاً احساس میکند که بخاطر حفظ حیثیت و پرستیژ حکومت در بین اقوام سمت مشرقی باید به صافی ها درس شدیدی بدهند، تا در نهایت تمام اقوام را به قبول کردن سیستم جدید مکلفیت وادار سازند».

دوم - حکومت خاندانی در عین زمان خواست تا موضوع کُتر را از موضوعات دیگر داخلی تجرید و در مجموع توجه مردم را از مشکلات و مسائل داخلی به موضوعات خارجی و جنگ جهانی منحرف سازد.

البته نقش اختلافات و دشمنی سردار محمد هاشم خان با مردم کُتر و رهبر قومی آنها غازی میرزمان خان را هم نمیتوان نادیده گرفت. این اختلافات سابقه طولانی داشته و به دوره امانی برمیگردد. خود غازی میرزمان خان کنری درین وقت حیات نداشته، در ماه جنوری سال ۱۹۲۹ میلادی حین تلاش های تاریخی اش برای تحکیم پادشاهی غازی امان الله خان در یک دسیسه دشمنان خارجی و داخلی افغانستان هنگام نماز خفتن در مسجد شینکورک کُتر ها به شهادت رسیده بود.

شاه و صدراعظم و وزیر خارجه بتاريخ ۲۹ مارچ ۱۹۴۵ در ارگ ملاقات های محرمانه داشتند. بعد از آن با تعدادی از اعضای شورای ملی در مورد انکشافات داخلی کشور و انکشافات جنگ جهانی دوم مشوره نمودند، و مناسبات افغانستان با انگلیس ها و امریکائی ها و همچنان مناسبات با اتحاد جماهیر شوروی را مورد غور و بررسی قرار دادند. شاه و صدراعظم بعد از آن هم به تاریخ های ۳۰ و ۳۱ ماه مارچ به بحث های شان پیرامون امور داخلی و خارجی ادامه دادند.

۵. اسناد استخبارات استراتیژیک افغانستان. مکتوب محرمانه مؤرخ ۷ جولای ۱۹۵۴، خلاصه استخباراتی هفته وار شماره ۲۷.
و. راپور شماره ۱۴، مؤرخ ۷ ماه اپریل استخبارات انگلیس.

1. The King is reported to have visited the Premier in his home soon after his return to Kabul, and they are said to have discussed world politics, especially the Russian announcement regarding their treaty with Turkey.

2. It is reported that the King, the Premier and the Foreign Minister had a private discussion in the Arg on about 29th. March, after which they interviewed some members of the National Assembly, and discussed Afghan relations with Britain and America, and also their relations with Russia in view of the latter's alleged change of attitude towards Turkey. They are also said to have discussed measures for recruitment in the army. The King and the Premier are said to have continued their discussions on home and foreign affairs on the 30th. and 31st. March.

3. (i) On 31st. March the Premier interviewed the Tagao Mullah and is said to have briefed him for religious propaganda in support of the Yahya Khel regime.

(ii) On 1st. April the Premier is reported to have instructed the Hazrat of Shor Bazaar to send a party of mullahs to various parts of the country to preach loyalty to their religion and their country amongst the educated people.

4. A report states that on 30th. March the Foreign Minister submitted to the King the gist of a conversation which he had had by radio telephone with Allah Nawaz Khan (W. W. 182), Afghan Minister in Berlin, in which Allah Nawaz expressed his opinion that the Germans are now preparing to adopt chemical warfare.

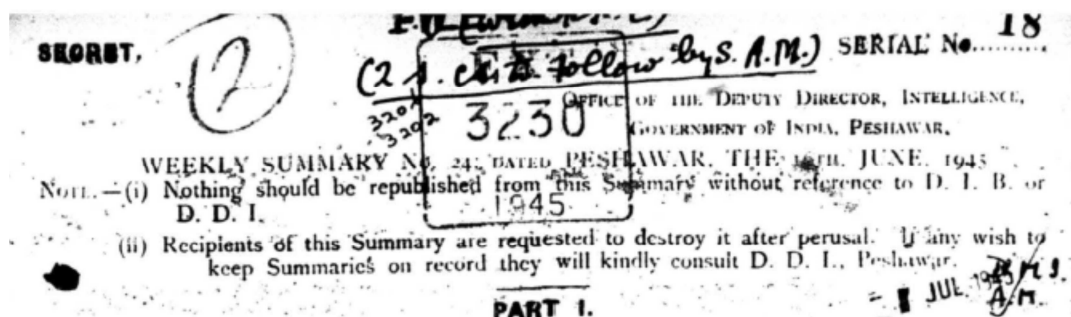
در پهلوی انکشافات داخلی کشور بشمول خرابی اوضاع اقتصادی، قطعی مواد غذایی در شمال و وخامت اوضاع امنیتی ناشی از قیام مسلحانه قوم جدران تحت رهبری زمک خان جدران در سمت جنوبی، و ناکامی صدراعظم هاشم خان در پیاده نمودن نظام جدید مکلفیت عسکری در سمت مشرقی، انکشافات جنگ جهانی دوم در اروپا، بخصوص ضعف مقاومت آلمان، به نگرانی خاندان حاکم می افزود و اتحاد جماهیر شوروی را در محراق توجه زمامداران افغانستان قرار میداد.

سیاست خارجی خاندان حاکم (آل یحیی) قبل از جنگ جهانی دوم مبنی بر سیاست یکجانبه اتکا بر دولت انگلیس و دوری از اتحاد شوروی بود. با اعلان بی طرفی در جنگ جهانی این سیاست نه تنها کماکان ادامه داشت، بلکه کمک های نظامی و استخباراتی انگلیس ها به خاندان حاکم و آموزش کادرهای نظامی افغان در هند بریتانوی افزایش بی سابقه یافت. صاحب منصبان اردوی افغان به جبهات جنگ در سرحدات برما نیز برای گذشتاندن دوره آموزش عملی و شرکت در تطبیقات نظامی فرستاده میشدند.

دستگاه حاکم که متشکل از قدرت مطلق دربار، دستگاه ملایان و روحانیون وابسته به دربار، و نفوذ و ثروت خوانین و اربابانی که نمایندگان شان در شورای ملی حضور داشتند، بود برای حفظ سلطه خود هم نگران و ناظر اوضاع داخلی بود و هم خود را از اوضاع خارجی و انکشافات جبهات جنگ باخبر نگه میداشت.

اخبار سقوط برلین و تسلیمی آلمان، و ترس از مناسبات بعد از جنگ با اتحاد جماهیر شوروی خواب را از چشمان هاشم خان، مقتدرترین فرد خاندان حاکم، ربوده بود و نیاز به مشوره های طولانی تر را بیشتر میساخت. عامل دیگری که بر پریشانی خانواده حاکم می افزود سرنوشت غلام صدیق خان چرخي بود. غلام صدیق خان چرخي وزیر امور خارجه دوره امانی که بعد از سقوط سلطنت غازی امان الله خان با وی به خارج رفته بود، در برلین زندگی میکرد. چرخي از جمله حامیان مهم غازی امان الله خان و فعالین مخالف خاندان حاکم شمرده میشد و در آنجا توسط الله نواز خان سفیر افغانستان در آلمان و مامورین استخبارات انگلیس تحت نظارت قرار داشت. بعد از سقوط برلین خاندان حاکم سخت میکوشید از سرنوشت این دشمن دیرینه شان آگاهی پیدا کند.

مطالعه اسناد و گزارش های استخباراتی انگلیس نشان میدهد که اعضای برجسته خاندان حاکم بصورت منظم در جلسات خانواده گی اوضاع را بررسی نموده و با تقسیم وظایف و مسئولیت ها، همه با وجود رقابت ها و اختلافات سلیقوی، برای حفظ سلطه خاندانی شان همکاری نزدیک و سعی دسته جمعی داشتند. درین زمینه شاید ذکر نمونه ذیل که آماده گی خاندان حاکم برای مقابله با تغییرات اوضاع و اولین نشانه تمایلات به روسیه سردار محمد داود خان را نشان میدهد، خالی از دلچسپی نباشد:



On 12th June the Premier interviewed members of the Tribal Office and gave them anti-Russian propaganda material.

Sardar Muhammad Daud Khan (W. W. 238), Commandant of the Kabul Army Corps, is reported to have expressed pro-Russian sentiments at recent meetings with Soviet officials. He is believed to be trying to gain the confidence of the Embassy.

— به تاریخ ۱۲ جون [۱۹۴۵] صدراعظم با اعضای دفتر قبایل صحبت نموده و به آنها مواد تبلیغاتی ضد روسی را داد.

— گزارش داده شده است که سردار محمد داود خان، قوماندان قوای مرکز کابل، [کسیکه از نظر وظیفه هیچ سروکاری با دیپلوماسی و سیاست خارجی نداشت] در ملاقات های اخیرش با مامورین روسی احساسات هواداری از روسیه را نشان داده است. عقیده بر آنست که او میخواهد اعتماد سفارت روسیه را حاصل کند.

تغییرات در جبهات جنگ جهانی، مخصوصاً تغییر موضع ترکیه و مصر (دو کشوریکه گویا افغانستان بحیث یک کشور اسلامی در سیاست خارجی از آن پیروی میکرد)، احتمال آزادی هند و ترس از دست دادن حامی مقتدر در منطقه

ز. به اساس گزارشات استخباراتی انگلیس ها صدراعظم ها شم خان به مرض بیخوابی (Insomnia) مبتلا و تحت مداوی قرار داشت.
ح. راپور شماره ۱۹، مؤرخ ۱۲ می ۱۹۵۴ استخبارات انگلیس.

(انگلیس)، بیدار شدن دوباره احساسات ضد انگلیسی مردم و هراس حکومت از حمایت آشکار منافع انگلیس ها سبب شده بود تا حکومت خاندانی از یکطرف برای پر کردن تکیه گاه آینده اش پیش بین بوده و از طریق سردار محمد داؤد خان با اتحاد شوروی مناسباتی داشته باشد و از طرف دیگر تبلیغات وسیع ضد روسی را علیه آن کشور ضد اسلامی براه انداخته و با استفاده از مهاجرین بخارائی به جمع آوری اطلاعات برای انگلیس ها بپردازد. «صدر اعظم مقدار هنگفت پول را به نایب الحکومه های ولایات برای تبلیغات اختصاص داده و از اعضای جمعیت العلماء نیز خواست درین راه با استفاده از نفوذ مذهبی شان کمک کنند»^ط.

(ادامه دارد)

ط . راپور شماره ۲۱، مؤرخ ۲۶ می استبارات انگلیس .